

جلوه شکر در دعای پانزدهم صحیفه سجادیه

چکیده

دعای پانزدهم صحیفه سجادیه با محوریت شکر به هنگام بیماری، از جمله آموزه‌هایی است که می‌تواند در سبک زندگی اسلامی انسان امروزی بسیار موثر باشد. در این مقاله به منظور کشف زوایای پنهان کلام امام سجاد (علیه‌السلام) و کاربردی کردن آن، پس از گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، ضمن تحلیل و بررسی هر فراز به طور جداگانه، بیماری را به عنوان منبع خیر در زندگی انسان معرفی کرده و دیدگاه امام نسبت به بیماری، سلامتی و این که عملکرد هر فرد در مواجهه با بیماری چگونه باید باشد نشان داده شده است.

لذا مشاهده می‌شود که در سرتاسر دعا، امام (علیه‌السلام) با جهان بینی خاص خود و بسیار شگفتانه، بیماری را پله‌ای برای رسیدن به مقام رضا می‌داند که توجه انسان را به توبه و به دنبال آن منجر به ریزش گناهان و پاکی از هر گونه آلودگی می‌پندارد و چه زیبا می‌توان از طریق نعمت بیماری مقرب درگاه حق شد.

واژگان کلیدی: بیماری، دعا، سلامتی، شکر، مرض. صحیفه سجادیه.

طرح بحث

انسان‌ها همواره به دنبال زندگی بدون درد و رنج هستند تا بتوانند به برنامه‌های خویش جامه عمل ببوشانند، بنابر این هر مانعی را که باعث تأخیر در رسیدن به هدف شود ناگوار می‌پندارند. از جمله مواردی که می‌توان نام برد که همه از آن‌ها گریزان هستند بیماری است. تعریف بیماری از نظر انسان، درد، رنج و ناتوانی در پیگیری و رسیدن به آرزوها و برنامه‌هاست که در آن هیچ نکته مثبتی وجود ندارد و حتی باعث می‌شود انسان فرصت‌هایی از عمر خود را بیهوده تلف کرده و حسرت بخورد، در حالی که از منظر انسان‌های الهی بیماری دارای نکات مثبتی است که سزاوار شکر و حمد است ولی این بدان معنا نیست که از حفظ سلامتی خود غافل شده و یا کوتاهی کنند بلکه اگر به هر دلیل دچار بیماری شدند آن را خیر قلمداد کرده و شکر می‌کنند.

بدون تردید می‌توان این‌گونه بیان کرد که هدف دعای پانزدهم صحیفه سجادیه آن است که اولاً به ارائه الگویی از سبک زندگی اسلامی با توجه به مواجهه امام سجاد(علیه‌السلام) با پدیده بیماری و مناجات نورانی ایشان در این حال پردازد و دوماً انسان را با نگاه انسان‌های الهی که مبتنی بر ژرف‌نگری و واقع‌بینی است، بیشتر آشنا کند و راهکارهایی برای حل این پدیده داشته باشد از همین رو، مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که:

- مواجهه مؤمن با بیماری چگونه باید باشد؟

- آیا بیماری در کنار رنج و سختی‌هایش، می‌تواند منشأ برکات و خیر باشد؟

صحیفه سجادیه را می‌توان منظومه فکری-تربیتی امام سجاد(علیه‌السلام) دانست که در قالب دعا، به دنبال ایجاد نگرش و معنایی صحیح از زندگی است.

امام سجاد(علیه‌السلام) در صحیفه سجادیه، راهکارهایی ارائه کرده‌اند که انسان دردمند، بیمار و گرفتار بتواند بر آن‌ها غلبه کرده، حتی در این شرائط، شکرگزاری کند و لذت،



رضایت و آرامش خویش را عمیق و محکم سازد. در نتیجه، هنر تبدیل مصیبت به نعمت را تحقق بخشد و از آثار و برکات آن بهره ببرد همان طوری که در نگاه امام، سلامتی نیز نعمت است ولی بیشتر مردم نسبت به آن زیان کارند چون چنین دیدی نسبت به سلامتی ندارند؛ یعنی از سلامتی خود برای نزدیک شدن به خداوند و کسب سعادت ابدی خود بهره نمی برند بلکه همواره به دنبال اهداف پوچ مادی هستند.

دعای پانزدهم صحیفه سجادیه از دعاهای مأثور از امام سجاد(علیه السلام) است که هنگام مبتلا شدن به بیماری یا بروز ناراحتی و گرفتاری می خوانند. امام در این دعا، خداوند را به دلیل نعمت سلامتی، یا به هنگام بیماری شکر می کند و به آثار اخروی بیماری از جمله پاک شدن گناه اشاره دارد. وی هم چنین بیماری را هشدار برای توبه و اعتماد بر خدا را کلید همه درهای بسته می داند.

دعای پانزدهم در شرح های صحیفه سجادیه هم چون «دیار عاشقان» اثر حسین انصاریان، «شهود و شناخت» اثر حسن ممدوحی کرمانشاهی به زبان فارسی و «شرح و ترجمه صحیفه سجادیه» اثر سید احمد فهری به زبان فارسی و در کتاب هایی مانند «ریاض السالکین» اثر سید علیخان مدنی، «فی ظلال الصحیفه السجادیه» اثر محمد جواد مغنیه، «ریاض العارفین» تألیف محمدبن محمد دارابی و «أفاق الروح» نوشته سید محمد فضل الله به زبان عربی شرح شده است. واژه های این دعا هم در شرح های لغوی مانند «تعلیقات علی الصحیفه السجادیه» اثر فیض کاشانی و «شرح الصحیفه السجادیه» نوشته عزالدین جزائری توضیح داده شده است.

در این مقاله سعی شده تا علاوه بر ترجمه، ارائه آیات و روایات مرتبط با فرازهای این دعا، مخاطبان با ارائه معارف صحیفه سجادیه آشنا گردند و تا حد امکان با تکیه بر مفاهیم موجود در خود عبارات دعا، راهی برای استخراج نکات و معارف آن دعای شریف ارائه شود. همچنین در مورد شرح دعا هم علاوه بر بررسی همه فرازهای دعا، به ذکر نکاتی پرداخته



شده تا مشخص شود که کدام نکته خاص مربوط به کدام ترجمه و عبارت دعا می‌باشد و از این طریق با فراهم کردن زمینه پرورش علمی و اخلاقی، ایجاد رغبت و انگیزه، مخاطبان با عمق و ژرفای این یادگار امام سجاد(علیه‌السلام) آشنا شوند و ضمن استفاده از این دعای ارزشمند با تدبر و اندیشه در مضامین بالای آن، سطح معرفت خود را افزایش دهند. اطلاعات بدست آمده تحقیق حاضر با استفاده از گردآوری کتابخانه‌ای، مطالب جمع آوری و پس از تحلیل ارائه گردیده است.

الف. مفهوم شناسی

۱. دعا

دعا در لغت به معنای صدازدن و یاری طلبیدن و در اصطلاح شرع، به معنای گفتگو کردن با حق تعالی به صورت طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه اوست. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۴)

«دعا» کلمه‌ای عربی از ریشه «د-ع-و» و به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۹)، اما ابوهلال عسکری اصل آن را درخواست انجام کاری می‌داند. (عسکری، بی‌تا، ص ۵۳۴) که جمع آن، «ادعیه» است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۳۳۷)

همچنین در مورد ریشه «دعو» می‌توان بیان کرد که از آن جا که مصدر ثلاثی مجرد آن «دعا» می‌باشد از نظر مفعولی دو معنای نزدیک لغوی و اصطلاحی می‌توان برای آن بیان کرد:

۱- معنای لغوی آن که شخص یا هر آن چه غیر خداوند می‌تواند باشد: صدا کردن کسی یا صیحه زدن بر کسی و توجه او را طلب کردن. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۴)

۲- معنای اصطلاحی آنکه مفعول خداوند است به معنای درخواست با جدّ و جهد از



پروردگارا است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۷۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۴)

دعا در اصطلاح به معنای درخواست انجام کاری از «مدعو» است که به صورت جمله امر یا نهی و گاه به صورت جمله خبری، مانند «غَفَرَ اللهُ لَكَ» می آید. فرق آن با امر این است که در دعا، مرتبه مخاطب فراتر از داعی و در امر، فروتر است.

همچنین، «دعا» اجابت می شود، در حالی که امر، اطاعت می گردد. (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۴) لازم به ذکر است که بر اهمیت «دعا» در قرآن کریم و روایات اسلامی تأکید شده است.

«زبان دعا در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در عین لطافت و شور، القا کننده معارفی بلند در حوزه های گوناگون دینی است. چه بسا معارفی که در دعاها وجود دارد و در احادیث کمتر یافت می شود؛ زیرا معمولاً مخاطب احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) عموم مردم بوده اند و ائمه (علیهم السلام) میزان فهم و دریافت آنان را در گفتارها و خطابها لحاظ می کرده اند؛ ولی چون مخاطب دعا خداوند است، امام معصوم آن چه را در دل دارد، آشکار کرده است.

بنابراین دعاها از گنجینه های بزرگ علمی و تربیتی اسلام به شمار می آیند که اسرار و نکته های فراوانی را در خود جای داده اند. این ویژگی در همه دعاها ائمه اطهار (علیهم السلام) به چشم می خورد. (مجد فقهی، ۱۳۸۵، ص ۱۸)

افزون بر این ویژگی عام، دعاها امام سجاد (علیه السلام) ویژگی دیگری نیز دارد. در زمان ایشان دعا نه تنها وسیله ای برای بیان معارف بود، بلکه یکی از کارآمدترین سلاح های ایشان برای مبارزه با انحرافات اخلاقی و تربیتی جامعه به شمار می رفت:

دعا در تقویت بنیادهای دینی جامعه کاربردی دوگانه دارد و دقیقاً همین کاربرد است که سبب شده تا امام سجاد (علیه السلام) در آن مقطع تاریخی از این قالب برای نشر اندیشه های اسلامی استفاده کند.



دعا از یک سو وسیله‌ای برای ارتباط و اتصال با خداوند است که نه تنها در شرایط عادی، بلکه به ویژه در آن شرایط بحرانی دینی و اخلاقی که برای جامعه پیش می‌آید، وسیله‌ای بسیار کارساز در حمایت از اخلاق دینی در فرد و اجتماع است؛ از سوی دیگر دعا قالبی است که طی آن می‌توان اندیشه‌های توحیدی و ناب اسلامی را در زمینه‌های گوناگون دین شناسی و مباحث کلامی مطرح و مردم را با آن آشنا کرد.

به عبارت دیگر، دعا- به ویژه آن جا که در آن از نثر زیبا و عبارتهای بلند و رسا استفاده می‌شود- ابزاری است که صرف نظر از جنبه محتوایی و معنوی آن، یک قالب هنری برای عرضه مفاهیم دینی است.

در این جا و با این تحلیل کوتاه، اهمیت استفاده امام از سلاح دعا در آن شرایط را درک می‌کنیم. شرایط بد اخلاقی و سیاسی جامعه اسلامی، کوته فکری و ناآگاهی بسیاری از عالمان، وابستگی آنان به دربار اموی، پایین بودن سطح معلومات دین‌شناسانه آن‌ها و تحریکات آشکاری که به تدریج در مفاهیم اساسی و توحیدی صورت می‌گرفت، همگی اقتضا می‌کرد که امام سجاد(علیه‌السلام) به عنوان مقام امامت فکری جامعه، وظیفه خود را در تشریح مفاهیم دینی و تقویت بنیادهای معنوی جامعه ادا کند. پاسخ این درخواست، خود را در قالب انشای دعا نشان داد و آن دعاهایی بود که با هدفی مشخص و به طور منظم انشا شده در اختیار دوست داران آن حضرت قرار گرفته است. (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰۰)

۲. مرض

خلیل بن احمد(م ۱۷۰ق) در کتاب خود که به عنوان اولین کتاب لغت پس از عصر نزول قرآن در دست ماست، می‌نویسد:

تمریض به معنای «حسن القيام علی المریض» بوده و قلب مریض از عداوت و نفاق

حاصل می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۴۰)



همچنین از نظر ابن درید (م ۳۲۱ق) «مرض» را ضد صحت دانسته و می‌نویسد اصل «مرض» به معنای ضعف است و هر آن چه که دچار ضعف شود به آن «مرض» گفته می‌شود. (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۷۵۲) ازهری (م ۳۷۰ق) هم معنای مریض را روشن دانسته و اصل «مرض» را نقصان در دو امر می‌داند:

اول بدن مریض، به معنای ناقص القوه و دوم قلب مریض، به معنای ناقص در دین می‌داند، ایشان مریض را به معنای ظلمت گرفته و این در حالی است که در ادامه ازهری (م ۳۷۰ق) تصریح می‌کند که «مرض» در قلب به معنای «یصلح لکل ما خرج به الانسان عن الصحه فی الدین»

آن چه که صلاحیت دارد انسان به وسیله آن از صحت و سلامتی در دین خارج شود. (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ص ۲۷)

ابن فارس (م ۳۹۵ق) می‌نویسد: ریشه اصلی «مرض» (میم و راء و ضاد) بر هر چیزی که انسان به وسیله آن از حد صحت در هر موردی خارج شود، دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۱۱)

و از نظر راغب اصفهانی (م ۵۶۵ق):

«مَرَضٌ» خارج شدن حالت مزاج انسان از اعتدال است که ویژه انسان است و «مرض» دو گونه است:

اول «مرض» جسمی و جمعی «مرضی» است؛

دوم رذیلت‌هایی مانند جهل، ترس، بخل، نفاق و مانند این‌ها از رذیلت‌های اخلاقی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶۵)

ابن منظور (م ۷۱۱ق) «مرض» را بیماری و کم شدن صحت می‌داند و منظور از «فی

قلوبهم مرض» را شک، نفاق و ضعف یقین معنا کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۳۱)



جمع‌بندی نظارت بالا خیلی هم پیچیده به نظر نمی‌رسد؛ زیرا که اکثر لغت‌شناسان تقریباً در معنای آن اتفاق نظر دارند و کم و بیش توضیح مشابه‌ای ارائه کرده‌اند؛ ولی با نگاهی لغت‌شناسانه به معنا و کاربرد این واژه در قرآن به نظر می‌رسد که صاحب «تهذیب اللغه» کاربردهای لغوی مرض را دقیق، جامع و ضابطه‌مندتر گزارش کرده باشد؛ چنانکه اشاره شد از نگاه او آن چه موجب ضعف و نقصان در جسم و قلب (روح) انسان می‌شود، مرض نام دارد و مرض قلب سبب خروج انسان از مسیر دین و ماندن در تاریکی و ظلمت می‌شود. البته تعریف ابن فارس هم ناظر به همین معنای ازهری است.

ب. مضمون فرازاها

۱. فراز اول

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحَدْتُتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي»

خدایا حمدها منحصر از آن توست بر این نعمت که من با سلامت بدن به آن مدام تصرف می‌کنم.

امام فراز نخست دعا را با این عبارت آغاز می‌کنند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ» که نشان دهنده این مطلب است که امام در اینجا به دلیل مهارتی که در استفاده از سیاق ادبیات عرب داشتند برای تأکید و حصر به جای اینکه بگویند «اللهم الحمد لك» آمده‌اند «لك» را که جار و مجرور و خبر است بر «الحمد» مقدم کرده‌اند. (حسینی حسنی مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ص ۳۵۷) که در این صورت ترجمه آن این گونه می‌شود:

«پروردگارا فقط و فقط حمد از آن تو می‌باشد» و این بیان‌گر این موضوع است که امام در مقام بیان این مطلب هستند که از سوی خداوند، حکیم مطلق هیچ فعلی صادر نمی‌گردد، مگر اینکه مصلحت و حکمتی در پشت آن وجود داشته باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۴۰۵)



بنابراین؛ در هر امری فقط خداوند است که سزاوار حمد است و از طرف دیگر واژه حمد، در مورد کسی به کار می‌رود که امری زیبا و ستودنی از او صادر شده باشد. بنابراین می‌توان این گونه عنوان کرد که از دیدگاه امام به خاطر زیبایی و حکمتی که در بیماری وجود دارد، خداوند سزاوار حمد و ستایش است. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي»

در این جا امام می‌فرمایند که به واسطه و تکیه بر این نعمت سلامتی جسم است که باعث می‌شود انسان به فعالیت‌ها و امور و اقداماتی که در دوران زندگی می‌خواهد انجام بدهد خدا را حمد و سپاس می‌گوید.

در واقع می‌توانیم بگوییم که در این جا امام بیماری را امری عارضی می‌داند و در مورد سلامتی می‌فرماید:

«مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي» سلامتی که همواره در آن به سر می‌برده‌ام

و در مورد بیماری می‌فرماید:

«مَا أَحْدَثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي» بیماری‌ای که تازه در من پدید آورده‌ای

که این خود نشان می‌دهد که امام معتقد هستند بیماری نباید باعث شود سلامتی‌ای را که بیشتر اوقات افراد در آن به سر می‌برند، از یاد ببرند و نعمت‌های گذشته خداوند را نادیده بگیرند و نسبت به آن‌ها قدرناشناس باشند؛ زیرا همان‌طور که مشخص است بیشتر افراد در اکثر اوقات بهره‌مند از نعمت سلامتی هستند حتی کسانی که بیشتر عمر خود گریبان‌گیر بیماری هستند، آن‌ها هم از لحاظی در سلامتی به سر می‌برند و اگر این گونه نبود، هرگز نمی‌توانستند زندگی خود را ادامه دهند.

در ادامه نیز باز امام می‌فرمایند:

«و لک الحمد...» که همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد در واقع امام با تأکید دوباره این



دیدگاه سعی در تأکید بر این باور دارند که حتی در زمان بیماری، خداوند سزاوار حمد و ستایش است. امام در انتهای فراز می‌فرماید:

«ما احدثت بی من عله فی جسدی» به این معناست که هر پدیده‌ای مانند مصیبت‌ها، بیماری‌ها و ... که در جهان هستی رخ می‌دهد، به اذن و تحقق خداوند حکیمی است که تا او نخواهد اتفاقی رخ نمی‌دهد. از این رو امام سجاد (علیه‌السلام) بیماری خود را نیز خواست خداوند می‌داند.

همچنین نکته دیگری که در انتهای فراز وجود دارد این است که در «مَا أَخَذْتُ» امام صیغه مفرد مذکر مخاطب نسبت به خداوند به کار برده که نشان می‌دهد که امام در واقع بیان می‌کنند که من تمام حمد را بر تو دارم و تو را مستحق حمد می‌دانم بر علت و بیماری که تو در بدن من و جسم من ایجاد می‌کنی.

حال این سوال مطرح می‌شود که این نسبت دادن بیماری به خداوند چه وجهی دارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که بدیهی و روشن است که بالاخره هر بیماری از باب معلولی است که قاعده‌ای دارد و مقنن و تدوین‌گر آن هم کسی جز خداوند متعال نیست.

بنابراین امام با به کار بردن کلمه «احدثت» این نوع وجود مبارک را به ذات حق نسبت می‌دهد چون بر اساس قوانین و قواعد الهی این ابتلائات و بیماری‌ها در وجود به سوی انسان می‌آید.

۲. فراز دوم

«فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيِ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَآيِ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ»

در حیرتم که سلامتی بیشتر سزاوار شکرگزاری است یا بیماری؟!

بنا به فراز نخست؛ امام چه در زمان سلامتی و چه در زمان بیماری، خداوند را سزاوار



ستوده شدن می دانست و در فراز دوم پا را فراتر گذاشته و به خداوند می فرماید:

«فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَى الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ».

امام در این جا بیان می دارند به خداوند که به راستی نمی دانم کدام یک از دو حال من به شکر در پیشگاه و حمد تو سزاوارتر است؟ حال عافیت و سلامتی و یا حال بیماری من؟ و کدام وقت من در حمد کردن به تو اولویت دارد؟ زمانی که در بستر بیماری افتادم یا آن زمانی که بر پای ایستاده و بر تندرستی در حال شتاب و جدیتم؟

در هر حال؛ من هر دو را یکسان حمد می کنم در حالیکه نمی دانم کدام اولی است و آیا باید تو را به نعمت سلامتی حمد فزونی تری کنم یا برای ابتلا به بیماری؟ در این جا باید بیان کرد که منظور امام از «ما ادری» جهل نیست، بلکه بیان عدم فرق بین این دو است و همان طور که مشخص است این فراز نشان دهنده یک جهان بینی و یک نگاهی خاص به جهان و دنیای انسان است.

۳. فراز سوم

«أَوْقَتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هُنَاتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ تَشَطَّنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَيَّ مَا وَقَّيْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ»

نکته ای که در این فراز قبال توجه است این است که ایشان سه ویژگی برای سلامتی در این جا ذکر می فرمایند که هر سه ویژگی رنگ خدایی دارد:

اول اینکه امام می فرمایند:

«هُنَاتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ» به این معنا می باشد که خداوند با سلامتی روزی های پاک

خود را برای انسان گوارا می کند.

در این جا امام می فرمایند خدایا من بیشتر تو را حمد کنم در آن حالتی که تو طیبیات رزقت را به خاطر نعمت سلامتی بر من لذیذ و گوارا قرار دادی و من به دلیل عافیت و



سلامتی از بهترین نعمت‌های تو استفاده نمودم که این خود به تنهایی نعمت بسیار بزرگی است که به من ارزانی دادی، زیرا؛ «بالعافیه توجد لذه الحياه» (التمیمی الآمدی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۴ ح ۴۲۰۷؛ محمدی ریشهری، ۱۳۸۸، جلد ۷، ص ۴۵۷؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۵۸۷) تمام خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و تمام این نعمت‌هایی که خداوند در وجود آفریده است لذت، فهم و درکش همه وقتی است که انسان عافیت و سلامتی دارد؛ بنابراین، تو را حمد کنم برای آن وقت صحتی که در آن وقت تو به من لذت طیبات و رزقت را چشاندی و گذاردی که آزادانه من از نعمت‌های تو به برکت این سلامتی استفاده کنم. دوم اینکه امام می‌فرمایند:

«وَنَشْطَّتِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ» خداوند با دادن نعمت سلامتی به انسان نشاطی به او می‌دهد که در طلب رضایت و فضل الهی قدم بگذارد. خود کلمه «نَشَطْتُ» (قیم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱۷) که در واقع به معنای سبک بالی و سرعت است به معنای این است که آدم بانشاط، خیلی سبک بال و راحتی در کارهایش است و خداوند به برکت این سلامتی به او نشاط داده است.

«بها» نیز در این جا یعنی همان صحت نشاط که داده شده است، «لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ» هم که در ادامه آمده است منظور این است که به برکت این عافیت و سلامتی بتوان رضا و مرضای خداوند را طلب کرد که در این جا واژه «ابتغاء» همانطور که می‌دانیم از باب افعال و ثلاثی مجرد آن «بغی» به معنای طلب کردن است را امام استفاده نمودند و آن هم به این خاطر است که جدیت طلب را نشان دهند اما لازم به ذکر است که «ابتغاء» آن جدیتی را می‌رساند که امام می‌فرمایند:

پروردگارا این نعمت سلامتی را که دادی من توانستم با تمام وجود سعی کنم که رضای تو را تحصیل کنم و «ابتغاء» مرضای تو را بکنم و بتوانم در مسیر تهذیب نفسم به برکت این سلامتی قدم بر دارم که در غیر این صورت ممکن پذیر نبود زیرا وقتی محدودیت سلامت می‌آید محدودیت کار و محدودیت به تعبیر امام «ابتغاء» هم می‌آید.

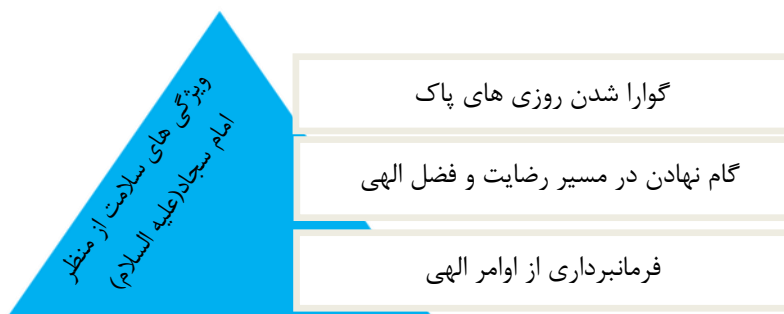


«نَشَطُّنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ»، در ادامه امام از واو عطف استفاده نمودند. در بعضی تفاسیر گفته شده «ابتغاء مرضاتک» بحث کمالات و علم و رشد انسان و تحصیل رضای الهی را مطرح می کند اما «ابتغاء فضل» در قرآن معادل با تلاش در مسیر کسب و کار است یعنی تلاش اقتصادی «فاذا قضيت الصلوه فانتشروا في الارض و ابتغوا من فضل الله» (جمعه/ ۱۰)

به این معنا که بیاید عبادت‌هایتان را انجام بدهید هنگامی که تمام شد سپس دنبال کسب و کار و روزی الهی و حلال خداوندی بروید که از این تعبیر «ابتغاء فضل» می‌شود برداشت کرد که یک حرفه و پیشه درست و جدی را بتوانم داشته باشم و از فضل تو بتوانم بهره ببرم و رزق و روزی پاکیزه نصیب من شود.

سوم اینکه: در پایان فراز امام می‌فرمایند:

«وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ» خداوند با سلامتی به انسان نیرو می‌دهد تا از اوامر او فرمان‌برداری کند. پس می‌توان گفت از نگاه امام سلامتی، نعمت است؛ زیرا زمینه بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، کسب رضایت و خشنودی خدا و همچنین اطاعت از دستورات او را فراهم می‌کند.



رسم توضیحی (ویژگی‌های سلامت از منظر امام سجاد (علیه‌السلام))



۴. فراز چهارم

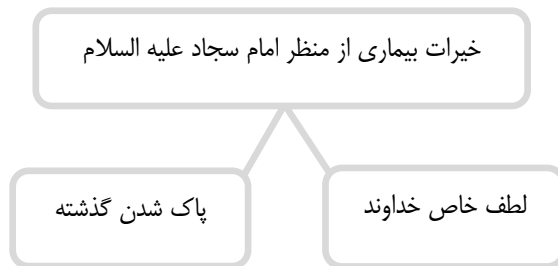
«أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَالنِّعَمِ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكَيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ»

«العله» (فراهیدی؛ ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۸) به معنای بیماری و «المحص» (فراهیدی؛ ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۷) به معنای «خلوص الشيء» است. بیماری انسان را پاک و خالص می‌کند. در این فراز می‌توان بیان نمود که بیماری از منظر امام سجاد(علیه‌السلام) خیرات فراوانی دارد که می‌توان در دو عنوان کلی خلاصه نمود:

مورد اول را که امام در فراز چهارم بیان نمودند:

«الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا»؛ پاک و خالص شدن از اشتباهات و غفلت‌های گذشته است که این مطلب خود ناظر به پاک شدن گذشته بیمار است.

اما مورد دوم را امام در فراز پنجم بیان می‌نمایند که «وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ...» به دست آوردن پاداش و ثواب به واسطه فضل و احسان الهی است که این مطلب هم ناظر به لطف خاصی است که خداوند به بیمار دارد.



رسم توضیحی ۲، خیرات بیماری از منظر امام سجاد (علیه‌السلام)



همچنین در ادامه از منظر امام سجاد(علیه السلام) در مورد بیماری برکاتی بیان شده که شایسته شکر و سپاس است از جمله:

۱- «تَخْفِيفًا لِّمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ»

سبک شدن بار گناهان است.

۲- «وَتَطْهِيرًا لِّمَا انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ»

پاک شدن از آثار منفی گناهان است.

۳- «وَتَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ»

بیداری برای اقدام به توبه است.

۴- «وَتَذْكَيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ»

یادآوری نعمت‌های گذشته برای زدودن گناه غفلت است.

درباره ریشه و معنای «الخطیئات» آمده است:

«اگر انسان از حد صحیح چیزی عبور کند، خطا کرده و جنبه صحیح چیزی را انجام نداده است؛ مانند زناکار که جنبه صحیح ارتباط با نامحرم، یعنی ازدواج را انجام نداده و با عبور از حدود ارتباط با نامحرم، جنبه صحیح این ارتباط را ترک کرده است» (القزوينی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۸)

قرآن در آیات متعددی از گناه، به «وزر» و سنگینی تعبیر کرده است که نمی‌توان آن را به گردن دیگری انداخت: مانند آیه «و لا تزر وازره وزر اخری» (انعام / ۱۶۴؛ اسرا / ۱۵؛ فاطر / ۱۸؛ زمر / ۷) بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، بار سنگین گناهان بر دوش آدمی را کم می‌کند. «انغمست»، یعنی بردن چیزی در آب (القزوينی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۰) و «السیئات» از ریشه «سوء» است.



ابن فارس در معجم مقاییس اللغه می‌نویسد:

«سوء» به معنای زشتی است. گناه از این جهت که زشت است، «سیئه» نامیده شده است.

(القروبنی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۳)

شعیری بیان می‌دارد اما حقیقت بسیاری از گرفتاری‌ها، به قرینه روایات این است که هر نوع گرفتاری دنیوی سبب کم شدن سنگینی گناه و پاک شدن آن می‌شود. (شعیری، بی تا، ص ۱۱۳)

بنابراین می‌توان بیان نمود که اثر رفتاری دیگر گرفتاری‌ها، آماده‌سازی برای توبه است. امام سجاد (علیه‌السلام) علاوه بر کارکرد پاک‌کنندگی گرفتاری‌ها، از آمادگی انسان‌ها برای توبه به وسیله گرفتاری‌ها سخن به میان آورده است:

«وتذکیراً لمحو الحوبه بقدم النعمه؛ با مریضی، به درک و دستیابی به توبه آگاه‌سازی»

(امام زین‌العابدین، ۱۳۷۶؛ ص ۷۶)

«حوبه» به معنای گناه است؛ سید علی خان، شارح بزرگ صحیفه در معنای این عبارت کلامی دارد که مضمون آن از این قرار است:

«از طرفی سلامتی نعمت است؛ پس جهل به آن، خطا و ناسپاسی آن است و از طرفی توجه داشتن به آن، شکر است و سبب برطرف شدن این جهل می‌شود. بنابراین یادآوری این نعمت به واسطه بیماری، سبب پاک شدن این گناه می‌شود که عبارت بود از جهل به نعمت سلامتی.» (حسینی حسنی مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۷۲)

بنابراین از نظر ایشان منظور از «حوبه» در عبارت دعا، جهل به نعمت سلامتی است. (حسینی حسنی مدنی شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۶۱)

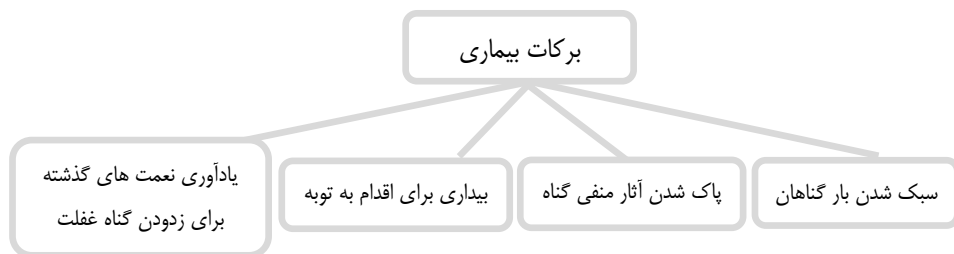
سختی‌ها و گرفتاری‌ها، انسان را از علل مادی جدا و توبه و بازگشت به مسیر صحیح فطری را برای او فراهم می‌کنند. این آگاه‌سازی، همان «یقضه» است که در عرفان، اولین مرحله سلوک به شمار می‌آید.



در حقیقت این مرحله، پله اول برای قرار گرفتن انسان در مسیر صحیح زندگی و توبه و بازگشت از گناهان است. بعد از بیداری است که انسان اشتباهات گذشته‌اش را می‌بیند چه زیبا هشدار داد حافظ:

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی وز که پرسی، چه کنی، چون باشی؟ (حافظ، ۱۳۷۴، ص ۴۵۹)



رسم توضیحی ۳، برکات بیماری از منظر امام سجاد(علیه السلام)

۵. فراز پنجم

«وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِي الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ

نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ»

همان طور که قبلاً هم گفته شد «وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِي

الْأَعْمَالِ...» به دست آوردن پاداش و ثواب به واسطه فضل و احسان الهی است که ناظر به

لطف خاصی است که خداوند به بیمار دارد.

سپس امام می‌فرماید:

«بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ» با این حال، امام سجاد(علیه السلام)

اشاره به لطفی ویژه از جانب خداوند می‌نماید که شامل حال بیماران می‌شود.



ایشان می‌فرماید:

در زمان بیماری، دو موکل نگارش اعمال، اعمال پاکی را ثبت می‌کنند که نه از فکرم گذشته و نه بر زبانم جاری شده و نه هیچ یک از اعضایم رنج آن را تحمل کرده است؛ بلکه از روی فضل و احسانت به من چنین می‌کنند. اگرچه انسان بیمار و گرفتار، وظیفه دارد بر سختی‌ها و ناملایمات صبر کند: «اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور» (لقمان/۱۷) اما خداوند بر پایه رحمت و وسعه خویش، در مقابل بیمار شدن آدمی، اعمال صالحی را در پرونده اعمالش درج می‌کند. بنابراین اگر چه انسان بیمار از نظر ظاهری در حال ناراحتی، رنج و سختی است؛ اما در حقیقت، در حال عبادت و نزدیکی به خداوند است. از این رو بیماری، عبادت و کمک به بیمار، کمک به عارفی واصل است.

۶. فراز ششم

«اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ لِي مَا رَضَيْتَ لِي، وَيسِّرْ لِي مَا أَخْلَلْتَ بِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ دَسَسِ مَا أَسْلَفْتُ، وَأَمْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ، وَأَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَأَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ، وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلْتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَمَتَّحُولِي عَنْ صَرَعتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَخَلَّاصِي مِنْ كُرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ»

از ویژگی‌های سوال برانگیز صحیفه‌ی سجادیه تکرار ترجیع بندوار صلوات است و درخواست درود بر محمد و آل محمد، در آغاز هر گروه از درخواست‌ها یا بندهای نیایش‌ها و نکته‌ی جالب توجه نیز اکتفا به همین یک سلام و صلوات ساده است. غیر از آن، هیچ‌گونه تجلیل و تعظیم و تبلیغ یا مدح و ثناء، تا چه رسد به غلو و شرک، آن طور که معمول نزد ما شیعیان است و داعیان ارادت و اخلاص به اهل‌بیت(علیهم‌السلام) مبالغه می‌نمایند، به عمل نیامده است.



به جای تضرع و توسل یا واسطه و شفیع قرار دادن و قائل شدن صفات و مراتب به ربوبیت برای امامان، همه‌ی تضرع و تمناها و کل تسبیح و تعظیم و توسل‌ها، به درگاه خداوند یکتا معطوف شده است. مصداق مطلق اسلام و توحید و اخلاص در بندگی، بر طبق قرآن مجید نیز چنین است.

در این انحصار عبودیت و استنکاف از تسبیح و توسل و توجه به غیر خدا یقیناً عنایتی و درس و دستوری در کار بوده، امام سجاد(علیه‌السلام) خواسته است مؤمنین را از گمراهی شرک در چهره‌ی امام‌پرستی و آفت شخص‌پرستی باز دارد.

اگر امام، امام نبود بسیار طبیعی بود که تبلیغ سرشار برای اجداد و اولاد خود می‌نمود. مانند مرشدان و مدعیان علم و عرفان، مریدان و پیروان را به احترام خاص و ارادت و اطاعت خویش می‌کشاند و یکسره دم از کرامت و حقانیت و از مطلوبیت خودشان می‌زد. (مبشری، ۱۳۹۱، صص ۵۱-۵۰)

یکی از اموری که باعث استجاب دعا می‌شود، صلوات بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و خاندان گرامی ایشان (علیهم‌السلام) است.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«دعا همچنان در پرده باقی می‌ماند (و به درگاه الهی راه نمی‌یابد) تا (زمانی که) بر محمد (صلی‌الله علیه و آله وسلم) و خاندان او (علیهم‌السلام) درود فرستاده شود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۴۹۱)

لازم به ذکر است که همه دعاهای صحیفه سجادیه با صلوات آغاز می‌شود و یا پایان می‌یابد زیرا ائمه معتقدند صلوات، ذکر برآورده شدن حاجت است.

در هر دعایی که صلوات فرستاده شود، اجابت آن از سوی خدا حتمی است.

امام سجاد(علیه‌السلام) که بهتر از هر کس آداب دعا و طلب از محضر خداوند مهربان را می‌داند، این فراز را هم چون بسیاری از فرازهای صحیفه سجادیه با صلوات بر حضرت



محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) و خاندان پاک ایشان آغاز می‌کند. لذا در پایان این دعا امام این فراز را نیز با صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار(علیهم السلام) ادامه می‌دهند به گونه‌ای که دعا در لفافه صلوات قرار می‌گیرد.

امیرمؤمنان(علیه السلام) در کلام دل‌انگیزی در این باره فرمود:

«هرگاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) درود بفرست؛ سپس حاجت خود را بخواه؛ زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورده و دیگری را بازدارد. (نهج البلاغه؛ حکمت ۳۶۱)

امام در این فراز می‌فرماید:

«اللهم فصل...» کاربرد «فاء» توسط امام در این جا خیلی لطیف است.

امام می‌فرماید:

«فصل» که به معنای «کان» است یعنی همه این‌ها را که تاکنون بهره‌مند شده و نتیجه گرفته‌ام، از هدایت محمد و آل محمد است و در پایان این دعا، امام سجاد(علیه السلام) پس از ذکر این همه فوائد که بر بیماری مترتب است، از خداوند طلب عافیت و سلامتی کرده، این دو را شیرین و گوارا دانسته است و می‌توان این‌گونه بیان کرد که در اصل امام دو درخواست معنوی مطرح می‌کند:

محبوب شدن خداوند نزد انسان

آسان شدن خواست خداوند برای انسان

۷. فراز هفتم

«إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِيمَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»

فراز هفتم با این واژه شروع شده، «متفضل» به این معنا که ابتدا کننده به احسانی است



که بر او لازم نیست. (حسینی حسنی مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ص ۹۶) و امام در ادامه از واژه «امتان» استفاده کرده‌اند که از باب افتعال و از ریشه «منت» به معنی نعمت بزرگ می‌باشد و «وهاب» صیغه مبالغه به معنی بسیار عطا کننده است؛ بنابراین، «المتطول الکریم» مانند جمله قبل است و همان تعبیر است.

همچنین واژه «امتان» در جایی گفته می‌شود که نعمتی که داده می‌شود، خیلی بزرگ باشد. تو صاحب این نعمت بزرگ هستی، می‌دهی و می‌بخشی. تو چنین کسی هستی، من تو را این گونه یافتیم؛ لذا این گونه با تو سخن می‌گوییم. (قهپائی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۶)

بنابر این می‌توان گفت که «الوهاب الکریم»، «وهاب» به معنی «هبه پشت سر هبه» است. از سوی تو پشت سر هم می‌رسد؛ منتها «الوهاب الکریم» هر چه از سوی تو می‌رسد، باعث رشد من است. این همه به من می‌دهی، اما هیچ وقت به رخ من نمی‌کشی و مرا تحقیر نمی‌کنی.

سعیدی مهر در کتاب خویش بیان می‌دارد که یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج در صفات الهی، تقسیم آن به صفات «ثبوتی» و «سلبی» است. صفت ثبوتی بیان‌گر بعدی از ابعاد کمالی خداست و از ثبوت واقعیتی در ذات الهی حکایت می‌کند.

در طرف مقابل، صفت سلبی حاکی از سلب نوعی نقص و مفهوم عدمی از ذات خداوند است. از آن جا که نقص و کاستی، خود سلب کمال است، حقیقت صفت سلبی عبارت از «سلب سلب کمال» خواهد بود و چون «نفی نفی» نوعی «اثبات» است، صفات سلبی نیز در نهایت از کمال ذات خداوند پرده بر می‌دارد و همانند صفات ثبوتی از کمال ذات خداوند حکایت می‌کنند. (سعیدی مهر، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱)

لذا در انتهای این فراز که امام از عبارت «ذوالجلال و الاکرام» استفاده می‌کنند به این معنا که تو خیلی بزرگ و صاحب جلال هستی.

مشاهده می‌کنیم که این عبارت در کلمات اولیا فراوان استفاده می‌شود و به صورت یک



ذکر فوق العاده قوی و پیش برنده در منازل توحید توسط اولیا و بزرگان سفارش می‌شود.

بدیع الزمان قهپائی می‌گوید:

«چون کلمه اول تسبیح جامع است و کلمه دوم حمد برجسته‌ای است. دو بال تسبیح و تحمید که جلال از اسماء جلالیه و از طرف دیگر اکرام از اسما جمالیه است و اکثر محققین بر آنند که «جلال» اشاره است به صفات سلبيه، زیرا که سلب آن مقتضی عزت و کبریاست.

جناب مقدسش از آن منزّه و مبرّا، و «اکرام» اشاره است به صفات ثبوتیه که اثبات آن مستلزم کمال ذات بی‌مثال است. پس «ذوالجلال و الاکرام» یعنی جامع جمیع صفات سلبيه و ثبوتیه، و از این است که بعضی علما او را اسم اعظم گفته‌اند.» (قهپائی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۷)



نتیجه بحث

آن چه در سرتاسر کتاب صحیفه سجادیه مشاهده می‌گردد این است که امام سجاد(علیه السلام) آنچنان در باب نبوت، معاد، امامت و خداشناسی سخن می‌گوید که گویی خواننده دعا، کتاب اعتقادی را در مقابل چشمان خود گشوده و در پی مطالعه‌ی مبانی دین است. از تمامی این مطالب می‌توان سبک دیگری را کشف کرد و آن این که امام(علیه‌السلام) در دوران سلطه‌ی اموی، در پی بیان و القای اعتقادات ناب به جامعه‌ی اسلامی بوده‌اند و چون برگزاری درس و بیان مطالب به صورت صریح امکان پذیر نبوده، در قالب مناجات با خدای بی‌همتا به بیان مطالب پرداخته‌اند.



در باب دعای پانزدهم می‌توان بیان کرد که، مهم‌ترین پیامد خویشتن داری نسبت به بیماری، شکر و سپاسگزاری است.

امام سجاد(علیه‌السلام) چه بسیار زیبا پس از حمد و سپاس درباره بیمار، به آثار و برکات نشاط و خرسندی نسبت به بیماری اینگونه اشاره می‌کند:

بیماری انسان را از آلودگی گناهان رهانیده و نعمت‌هایی در غالب درد به انسان تحفه داده شده تا بار گناهی را که بر دوش او سنگینی کرده سبک شده و از بدی‌هایی که در آن غوطه‌ور است پاک گردد، و برای فراگرفتن توبه آگاه شود، و تذکر و یاد کرد نعمت گذشته را سبب زدودن گناهان بزرگ کند. همچنین، انسان از «مقام شکر» به «مقام رضا» رسد؛ زیرا، خرسندی نسبت به سلامتی چندان هنری نیست؛ بلکه هنر حقیقی، رضامندی حتی در بیماری است.

به طور اتفاقی، انسان سالم به غرور، خودپسندی و خودپرستی گرفتار شود و انسان بیمار در سایه‌سار مقام رضا به نجات و رهایی دست یابد. از سوی دیگر، ناخرسندی نسبت به بیماری، پیامدی خطرناکی به نام «افسردگی» خواهد داشت که افسردگی از خود بیماری زیان بارتر است؛ در حالی که در اوج درد و بیماری می‌توان بدتر از آن را نیز تصور کرد و از این که وضعیت بدتر نشده، خدا را شکر و سپاس کرد. و این روحیه در هر حالت به انسان لذت، رضایت، شادی و نشاط هدیه می‌کند.

امام سجاد(علیه‌السلام) در دعای پانزدهم صحیفه سجادیه، راهکارهایی ارائه کرده‌اند که انسان دردمند، بیمار و گرفتار بتواند بر آن بلایا غلبه کرده، حتی از این شرائط، شکرگزاری کند و لذت، رضایت و آرامش خویش را عمیق و محکم سازد و در نتیجه، هنر تبدیل مصیبت به نعمت را تحقق بخشید.

دعای پانزدهم امام، رباعی استاد طالعی(طالعی، رباعی در آستان صحیفه سجادیه، ۱۳۹۳) را به

یاد انسان می‌آورد که چه زیبا فرمودند:



شکر تو کدام لحظه باشد خوشتر؟
یا وقت سلامت و اطاعت بدن؟
بیمار شوم، نعمت تو می آید
من مانده‌ام و دو حالت احسانت
در این یا آن شکر تو را می باید؟ (فراز ۲ تا ۴)
بر جود تو، این زبان نه گویا باشد
ناگفته به این گدای خود می بخشی
آن‌گاه که افتاده تنم در بستر
چون غفلت من بینی، از آن بگذر (فراز ۱ و ۲)
صحت برسد، لطف تو ام می شاید
درک کرمت، نه دل توانا باشد
لطفی این سان، در خور مولا باشد



منابع و مأخذ

❖ قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

❖ صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶
۲. ابن درید، ابوبکر محمد بن الحسن، جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۵. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، التهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۶. القزوینی، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۷. التیمی الآمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ه.ش.
۸. امام زین العابدین، علی بن الحسین؛ الصحیفه السجادیه، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ه.ش.



۹. جعفریان، رسول؛ حیات فکری سیاسی امامان شیعه(علیهم السلام)، تهران: علم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه؛ احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایینف، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۱. حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، تهران: فخر رازی، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۲. حسینی حسنی مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالسادین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۳. -----، تلخیص الریاض تحفه الطالبین: المقتطف من ریاض السالک، قم: مطبع العلمیه، ۱۳۸۱ ه.ق.
۱۴. خوانساری، جمال الدین، شرح غررالحکم و دررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغه، بیروت: دارصاد، چاپ اول، ۱۹۷۹ م.
۱۷. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، قم: کتاب طه، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۷ ه.ش.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: مطبعه حیدریه، چاپ اول، بی تا.
۱۹. طالعی، عبدالحسین، رباعی در آستان صحیفه سجادیه، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳ ه.ش.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۲۲. عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.



۲۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ه.ق.
۲۵. قهپائی، بدیع الزمان، ریاض العابدین، حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ه.ش.
۲۶. قیم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴ه.ش.
۲۷. قیومی، احمدبن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دارالحجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ه.ق.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ه.ق.
۲۹. مبشری، اسدالله، صحیفه سجادیه، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱ه.ش.
۳۰. مجد فقیهی، محمدعلی، آشنایی با صحیفه سجادیه، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵ه.ش.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ه.ق.
۳۲. محمدی ریشه‌ری، شیخ محمد، میزان الحکمه، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۸۸ه.ش.
۳۳. مدرسی چهاردهی، محمدعلی، شرح صحیفه سجادیه، تهران: مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۷۹ه.ش.

